

مطالعه میدانی در اقتصاد نقاشی

محمدرضا مریدی

معصومه تقی‌زادگان

مقدمه: اقتصاد هنر

سازمان هنری نهاد اقتصادی کوچکی است که در نظام اقتصاد کلان فعالیت می‌کند. سطح کلان اقتصاد با مسائلی چون تغییر قیمت، تورم و نرخ بیکاری سروکار دارد و هرگونه حرکت اقتصادی در سطح کلان مانند بالا و پایین رفتن نرخ بهره یا درآمد ناخالص ملی بر اقتصاد هنر مؤثر است. از جمله مباحث مطرح در سطح کلان اقتصاد هنر، بودجه‌های دولتی، یارانه‌ها، سیاست‌های وام برای تزریق سرمایه به بازار هنر و سیاست‌های مالیاتی است.

اما اقتصاد هنر از منظر جامعه‌شناسی بیشتر با اقتصاد خرد در ارتباط است. در اقتصاد خرد با مسائل بازار هنر مواجهیم؛ یعنی شرایط تولیدکنندگان هنر، درآمدزایی بنگاه‌های کوچک هنری، فرایند قیمت‌گذاری آثار هنری، قدرت خرید مخاطب، سبد مصرف فرهنگی مخاطب و همچنین مسائلی چون واسطه‌های فروش (گالری‌داران)، حراجی‌ها، کلکسیونرها، بیمه تأمین اجتماعی هنرمندان و... در این حوزه مورد بحث قرار می‌گیرد.

برای توضیح بهتر اهداف و دستاوردهای پژوهشی در حوزه اقتصاد هنر معرفی تحقیق‌هایی در این حوزه مفید است. در این نوشته پژوهش‌ها در دو بخش بازار مبادلات هنری (تابلوه‌های نقاشی) در سطح کلان و بازار اشتغال هنرمندان (نقاشان) در سطح خرد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بررسی بازار مبادلات تابلوه‌های نقاشی

بررسی تحقیقی که آیلین سکین^۱ با عنوان «تحلیل بازار نقاشی ترکیه» انجام داده است از بسیاری جهات برای ما اهمیت دارد، زیرا مطالعه بازار ترکیه به عنوان یک کشور در حال توسعه با اقتصاد تورمی و گاه نامتعادل می‌تواند زمینه‌ای برای آغاز بحث اقتصاد هنر در ایران باشد. سکین به بررسی رابطه میان بازگشت سرمایه‌گذاری بر نقاشی در مقایسه با سرمایه‌گذاری در مبادلات ارزهای خارجی، طلا و امانات بانکی در ترکیه می‌پرداخت و برای رسیدن به هدف، شاخص قیمت هدانیک را برای سهام نقاشی ترکیه محاسبه کرد. او با بررسی ۱۰۳۰ تابلوی نقاشی از نقاشان ترکیه به ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های مختلف اندازه (طول و عرض)، تکنیک، سبک، تاریخ اثر و... بر قیمت تابلو پرداخت. همچنین آمار فروش این تابلوها را در یک سری زمانی از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۶ بررسی کرد تا روند قیمت‌ها را در مدل اقتصادی هدانیک^۲ زمانی تفسیر کند. مختصری از نتایج او در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد نقاشی‌هایی که با رنگ روغن و گواش کشیده شده‌اند ارزش بیشتری از نقاشی‌های آبرنگ و سایر تکنیک‌ها دارند و نقاشی‌های مرکب ارزش مطلوبی در بازار ندارند. همچنین نقاشی‌هایی که بر روی متقال و کتان کشیده شده‌اند نرخ بالاتری نسبت به نقاشی‌های کشیده شده بر کاغذ دارند و آنهایی که بر چوب کشیده شده‌اند دارای هیچ ویژگی متفاوتی در قیمت نیستند. این نتایج نشان می‌دهد که دوام و بقای تابلوی نقاشی یک عامل مهم در افزایش قیمت تابلو است. کتان از کاغذ مقاوم‌تر است و تفاوت قیمت آنها ناشی از همین امر است. معروفیت نقاش و گالری‌ای که اثر در آن فروخته می‌شود بر قیمت نقاشی بسیار مؤثر است که به دلیل ناشناخته بودن نقاشان و گالری‌های ترکیه برای ایران، از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم. جدول شماره ۲ سرمایه‌گذاری در بازار هنر را با سرمایه‌گذاری در بازار طلا، ارز، سپرده بانکی ۱۲ ماهه و بازار سهام مقایسه می‌کند و آن را با نرخ تورمی ترکیه در ارتباط قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری بر اساس دلار آمریکا در بازار هنر نسبت به سپرده بانکی ۱۲ ماهه ارزش بیشتری دارد. همچنین در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ سرمایه‌گذاری در طلا ارزش کمتری نسبت به سرمایه‌گذاری در هنر داشته است اما بعد از سال ۲۰۰۰ ارزش در بازار طلا نسبت به بازار هنر فزونی یافته است. همچنین بازار سهام و بازار مبادلات ارزی ارزش مشابهی با بازار هنر داشته‌اند. بنابر این به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در هنر دارای نرخ برگشت سرمایه مناسبی در مقایسه با دیگر بازارهای سرمایه‌گذاری است و به عنوان یک زمینه مناسب در اقتصاد بی ثبات و تورمی عمل کرده است.

سکین در نهایت نتیجه می‌گیرد با توجه به نزدیکی و همبستگی سرمایه‌گذاری در بازار سهام و بازار هنر، تقویت بازار هنر در قالب بازار سهام می‌تواند به توسعه بازار هنر به عنوان محیط امن سرمایه‌گذاری در اقتصاد تورمی ترکیه کمک کند. در پژوهشی دیگر هلن هیگس^۳ برای بررسی سودآوری و تعیین قیمت در بازار هنر استرالیا به بررسی ۳۷۶۰۵ تابلو از ۶۰ نقاش برتر و شناخته شده که بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۳ در حراجی‌های مختلف آثار خود را فروخته بودند، پرداخت. او با استفاده از مدل رگرسیون هدانیک اثر متغیرهایی چون معروفیت نقاش، زنده یا مرده بودن نقاش، اندازه تابلو، سبک اثر و محل فروش را بر قیمت تابلو محاسبه کرد. همچنین نشان داد کدام یک از نقاشان طی دوره ۳۰ ساله در امر فروش موفق‌تر بوده و برگشت پذیری مالی بهتری داشته‌اند. (جدول شماره ۳)

هیگس با استفاده از داده‌های جدول پرفروش‌ترین و کم‌فروش‌ترین نقاشان را از میان جامعه نمونه ۶۰ نقاش معرفی کرد. همچنین رنگ روغن و اکریلیک به عنوان مؤثرترین و مداد رنگی به عنوان کم‌اثرترین متغیر بر قیمت شناخته شد (به عبارتی کارهای مداد رنگی کمترین قیمت را دارند و آن را می‌توان به ناپایداری رنگ بر کاغذ مربوط دانست). تابلوهایی که در حراجی‌های دسجر-منس، ساتی و کریستی به فروش رفته‌اند به ترتیب دارای بالاترین اثر بر قیمت تابلو بوده‌اند.

مدل رگرسیون هدانیک تحقیق با ضریب تبیین برابر ۶۷۹٪، اثرگذاری سه دسته متغیر مرتبه نقاش، تکنیک اثر و حراجی محل فروش را بر قیمت تابلوهای نقاشی نشان داد. هیگس نتیجه گرفت معروفیت و مرتبه نقاش مهم‌ترین عامل اثرگذار بر قیمت تابلو است.

به طور کلی باید گفت در ارزیابی قیمت کالاهای هنری و به خصوص تابلوهای نقاشی، با توجه به نوع داده‌ها و اهداف تحقیق چهار شاخص قیمت سنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد (فیس، ۲۰۰۱: ۲۳): ۱- شاخص میانگین هندسی قیمت^۴ که برای تخمین قیمت در سری‌های زمانی کاربرد دارد؛ ۲- روش رگرسیون تکرار قیمت^۵ در حراجی‌های فروش تابلوی هنری؛ ۳- شاخص قیمت هنری ساتی^۶ که توسط خانه حراج ساتی ابداع شد؛ و ۴- شاخص قیمت هدانیک^۷. در این نوشته کوتاه به دو مورد از تحقیقاتی که شاخص قیمت هدانیک را به کار بردند اشاره شد.

بررسی بازار اشتغال هنرمندان

در سال ۱۹۸۰، یونسکو دهه ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸ را به عنوان دهه توسعه فرهنگی در جهان اعلام و توصیه نامه‌ای درباره موقعیت هنرمندان منتشر کرد. در این توصیه نامه، حرفه هنری و آموزش هنرمندان جزء لاینفک موقعیت و منزلت هنرمندان تلقی شد. تا آن دهه ادبیات بسیار محدودی در بازار کار هنرمندان وجود داشت و وجه شغلی، درآمد و تحصیلات هنرمندان بررسی نشده بود. برخی کشورها توصیه نامه یونسکو را جدی گرفتند و به انجام مطالعات میدانی درباره هنرمندان پرداختند. استرالیا، کانادا و انگلستان به یافته‌های عمیقی در بازار کار هنرمندان دست یافتند (گینبرگ، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

در سال ۱۹۹۷ اتحادیه هنرمندان انگلیسی، با انجام تحقیقی میدانی نشان داد در یک نمونه ۱۰۰۰ نفری، ۸۰ درصد از هنرمندان از راه هنر خود زندگی نمی‌کنند. به عبارتی هنر را شغل اصلی خود قرار نمی‌دهند (کلباسی، ۱۳۷۹: ۳۴) و درآمد از راه هنر بسیار محدود است. تحقیقات نشان داده در بیشتر کشورها، هنرمندان حرفه‌ای در مقایسه با شاغلان دیگر، به رغم داشتن تحصیلات و سن برابر، درآمد کمتری دارند. البته عمومیت این قانون برای مردان است و هنرمندان زن بیش از زنان شاغل در حرف دیگر درآمد دارند (گینبرگ، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

مطالعه اشتغال هنرمندان در استرالیا (۱۹۹۳) نشان می‌دهد آنها فعالیت خود را در سه بخش پی می‌گیرند: ۱. مشاغل آفرینشی (۵۴ درصد)؛ ۲. مشاغل مرتبط با هنر مانند منتقد، مدرس، گالری‌دار و محقق (۲۸ درصد)؛ و ۳. مشاغل غیر هنری (۱۸ درصد). (همان: ۱۲۵) کسانی که به مشاغل مرتبط با هنر می‌پردازند بیشتر تحصیلات تکمیلی رسمی هنر را دنبال می‌کنند اما برای

رگرسیون شاخص قیمت هدانیک برای نقاشی ترکیه

متغیر	به دلار آمریکا		به لیر ترکیه		تکنیک	اندازه
	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال		
رنگ روغن	/۸۶	/۰۰۰	/۹۶	/۰۰۰	تکنیک	۱
آبرنگ	/۳۰	/۰۰۵	/۳۹	/۰۰۰		
گواش	/۸۴	/۰۰۰	/۹۳	/۰۰۰		
مرکب	-/۱۹	/۱۱	-/۰۳	/۷۸		
تکنیک‌های مختلط	/۴۶	/۰۰۰	/۵۲	/۰۰۰		
کاغذ	-/۲۶	/۰۰۰	-/۲۸	/۰۰۰		
متقال	/۲۳	/۰۱	/۲۳	/۰۱	بستر	۱
چوب	/۰۵۳	/۶۹	/۰۲	/۸۵		
کتان	/۲۹	/۰۱	/۲۲	/۰۴		
مساحت	/۰۰۱۸	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	اندازه	۱

منبع: سکین، ۲۰۰۷: ۴

متغیر	میانگین (دلار آمریکا)	ضریب	سطح معناداری
نقاشان پرفروش	فردریک مک‌کونین	۵۵,۲۴۵	۳,۱
	جان بیتر روزل	۴۵,۱۶۷	۲,۲۲
	رور توماس	۳۵,۲۱۷	۲,۲۴
	وليام رابینسون	۳۹,۰۳	۱,۳۴
تکنیک اثر	اکریک	۱۴,۱۹	۲,۰۴
	زغال	۳,۴	۲,۶
	مداد رنگی	۱,۹	۱,۵
	گراورسازی	۱,۳۸	۱,۴
	گواش	۹	۱,۴
	رنگ روغن	۱۷,۳	۳,۲
	یاسنل	۴,۶	۱,۵
	مداد طراحی	۲,۱	۱,۶
	آبرنگ	۷,۱	۱,۳
	موارد دیگر	۵,۱	۵,۱
محل فروش	حراج هنر استرالیا	۲,۱	۱,۸
	کریستی	۱۸,۴	۳,۰۱
	دسجر	۲۷,۴	۲,۵
	جیمز لوسون	۲,۷	۲
	لئونارد جوئل	۴,۲	۴,۷
	ساتبی	۲۱	۲,۲
	دیگر خانه‌های حراج	۶,۳	۵,۴

۱۰
۳

سال	بازار هنر (لیره ترکیه)	بازار هنر (دلار آمریکا)	مبادلات ارزش خارجی	طلای ۲۴ عیار	سپرده بانکی ۱۲ ماهه ترکیه	سپرده بانکی ۱۲ ماهه آمریکا	بازار سهام	شاخص تورم CPI	شاخص رشد GDP
۱۹۹۰	۹۰,۱	۱۰۴,۹	۲۲,۹	۲۳,۴	۵۹,۴	۸,۱	۳۴۸,۸	۵۹,۸	۹,۳
۱۹۹۱	۳۷,۴	-۳۹,۷	۶۰,۲	۵۱,۴	۷۲,۷	۸,۹	-۸,۵	۶۰,۷	-۰,۹
۱۹۹۲	۲۴,۶	-۱۵,۲	۶۴,۶	۵۶,۹	۷۴,۲	۴,۹	۷,۴	۶۵,۶	۶
۱۹۹۳	۰,۰	-۴۵,۷	۶۰,۵	۶۸,۷	۷۴,۸	۴,۲	۱۶۴,۷	۶۵,۹	۸
۱۹۹۴	۲۷۴,۸	۷۲,۵	۱۶۹,۹	۱۸۱,۵	۹۵,۶	۵	۱۰۶,۴	۱۰۸,۹	-۵,۵
۱۹۹۵	۱۷۷,۶	۳۹,۴	۵۴	۵۵,۷	۹۲,۳	۶,۱	۹۱,۸	۹۲,۴	۷,۲
۱۹۹۶	۶۱,۱	۱۰,۲	۷۸	۷۸,۲	۹۳,۸	۷,۳	۶۳,۷	۶۷,۸	۷
۱۹۹۷	۳۲۲,۴	۶۴,۹	۸۶,۸	۵۸,۷	۹۶,۶	۸,۱	۱۹۹,۱	۸۲,۱	۷,۵
۱۹۹۸	۱۵,۲	-۱۲,۲	۷۶,۶	۵۴	۹۵,۵	۱۰,۱	۵۸,۳	۸۳	۳,۱
۱۹۹۹	۵۹,۲	-۶,۲	۶۱	۵۲	۴۶,۷	۱۲,۵	۷۸,۷	۵۹	-۴,۷
۲۰۰۰	۹۷,۴	۴۸,۶	۴۸,۵	۴۹,۱	۴۵,۶	۱۰,۸	۱۴۹,۹	۵۰	-۷,۴
۲۰۰۱	-۲,۲	-۴۲,۹	۹۶,۵	۹۳,۳	۶۲,۵	۱۰,۱	-۳۰	۵۸,۸	-۷,۵
۲۰۰۲	۱,۵,۳	۴۱,۹	۲۲,۹	۴۱,۶	۴۸,۲	۴,۴	۸,۴	۴۰,۶	۷,۹
۲۰۰۳	۱۵,۸	۱۳,۵	-۰,۸	۱۴,۹	۲۸,۶	۴,۶	۱۱,۷	۲۱,۸	۵,۸
۲۰۰۴	۹,۴	۲۰,۳	-۴,۷	۸	۲۲,۱	۴,۵	۶۲,۳	۷,۹	۸,۹
۲۰۰۵	-۱۳,۹	-۸,۷	-۵,۷	۲,۴	۲۰,۴	۵,۲	۴۷,۶	۵,۵	۷,۴

جدول ۲

هنرمندانی که در بخش آفرینش هنری فعال اند تحصیلات رسمی چندان اهمیت ندارد. در واقع آنها به این گفته برنارد شو باور دارند که «آنها که توانمند هستند کار انجام می دهند و آنها که توانمند نیستند به دنبال تحصیلات بیشتر می روند».

پایین بودن سطح درآمد هنرمندان ناشی از مازاد عرضه کار آنها است. بازار عرضه و تقاضای هنر از قرن ها پیش محدود بود. هنرمندان در نظام سنتی استاد - شاگردی به فراگیری هنر می پرداختند. این نظام نخبه پرور بود زیرا استاد در تمام عمر خود به تربیت چند شاگرد می پرداخت؛ البته شاگردانی که مرتبه استادی می گرفتند. از این رو تعداد محدود و شناخته شده ای به کار آفرینش هنری می پرداختند. اما آنچه این نظام را در هم ریخت آموزش رسمی و همگانی هنر بود. اگر چه آموزش همگانی هنر در مدارس و دانشگاه ها، این فعالیت را از انحصار خاندانی و استادان محدود در آورد اما در جاهایی هم آسیب زا بود. گسترش آموزش عالی هنر نیروی تولید کننده در بازار هنر را افزایش داد اما تقاضا برای خرید هنر همچنان محدود ماند. این امر موجب پایین آمدن دستمزد هنرمندان در بازار گردید. منگر در تحقیقی که سال ۱۹۹۹ در خصوص هنرمندان فرانسوی انجام داد این پدیده را عرضه اضافی خواند. به عبارت دیگر نقاشان، بازیگران، نویسندگان، شاعران و موسیقی دانان تعدادشان بیش از تعداد فرصت های شغلی یا بازار خرید مهارت های آنها است (الکساندر، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

در تحقیق مفصلی که توسط رنجرز در سال ۲۰۰۲ در مورد زندگی اقتصادی هنرمندان هلند انجام گرفت قیمت آفرینشگری هنرمند (مثلاً در نقاشی) در ارتباط با سرمایه اجتماعی او مطالعه گردید. به اعتقاد او فقط خود اثر (تابلوی نقاشی) اهمیت ندارد بلکه عواملی چون سن، سابقه کار و مدرک تحصیلی هنرمند بر قیمت کار او می افزاید. افزایش قیمت اثر هنری به معنای افزایش ارزش هنری آن نیست بلکه به معنای افزایش دستمزد هنرمند در خلق اثر است. در بخش دیگری از تحقیق به مطالعه میدانی شرکت کنندگان در اکسپوی هلند پرداخته و رابطه سن، جنسیت، شرایط زندگی در شهر و شهرستان، عضویت های انجمنی او و دیگر متغیرها با موفقیت فروش بررسی می شود.

جمع بندی

با توجه به کوچک بودن بازار هنر در مقیاس های اقتصادی، اقتصاددانان علاقه کمی به بررسی آن دارند. از سویی مطالعه میدانی بازار هنر نیاز به آشنایی و شناخت کامل از این بازار دارد و این دانش میان رشته ای از هنر، اقتصاد و جامعه شناسی در معدود افرادی یافت می شود. به این ترتیب پیشینه تحقیقات در خصوص اقتصاد هنر همواره محدود است. در کشور ما نیز متأسفانه هیچ تحقیق میدانی در خصوص زندگی هنرمندان، حجم بازار مبادلات، توزیع مناسب بودجه ها و سرمایه گذاری های دولتی و شیوه های توسعه بازار خصوصی هنر انجام نگرفته است. پرداختن به این زمینه های پژوهشی نیاز به آشنایی بیشتر با این ادبیات تحقیق دارد. امیدواریم با ترجمه کتاب و مقالات معتبر این حوزه گسترش یابد.

منابع

- الکساندر، ویکتوریا، «هنرمندان»، در کتاب مبانی جامعه شناسی هنر، ترجمه علی رامین، نشر نی، ۱۳۸۷.
- پیکاک، آلن، اقتصاد فرهنگ و سیاست های فرهنگی، ترجمه علی محمد بیگی، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۶
- Andrew C. Worthington, Helen Higgs, *Art as an Investment: Short and Long-Term Comovements in Major Painting Markets*, School of Economics and Finance, Queensland University of Technology, Australasia, 2002
- Fase M.M.G, *Investments in Painting: The Interaction of Monetary Return and Psychic Income*, University of Amsterdam, 2001
- Mamarbachi, Raya, 2008, *Art as an Alternative Investment Asset*, Henley Management College, UK .
- Rengers, Merijn, 2002, *Economic Lives of Artists*, Universiteit Utrecht
- www. Price Art.com

پی نوشت

- 1- Aylin Seckin
- ۲- تابع هدانیک در اقتصاد، روشی برای مطالعه ارزش و بهای ارزیابی شده از سوی مصرف کننده کالاها یا خدمات است
- 3- Helen Higgs
- 4- geometric price index
- 5- the repeat sale regression (RSR) method
- 6- Sotheby's price index
- 7- hodonic price index